

بازخوانی یک سخنرانی از سیدحسن نصرالله



در بسیاری از سخنان درباره وحدت اسلامی، مسئله در سطح توصیه‌های اخلاقی و دعوت به همدلی باقی می‌ماند؛ اما در سخنرانی سیدحسن نصرالله در هفته وحدت، وحدت بیش از آنکه یک مفهوم انتزاعی یا صرفاً مذهبی باشد، به‌عنوان یک مسئله عملی و مرتبط با سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان صورت‌بندی شده است. در این نگاه، مسئله اصلی آن نیست که مسلمانان اختلافات اعتقادی و فقهی خود را کنار بگذارند؛ بلکه مسئله این است که این اختلافات، مانع همکاری در حوزه‌هایی نشود که میان آنان منافع و مسئولیت‌های مشترک وجود دارد.

این تمایز، نقطه مهمی در فهم مفهوم وحدت است. وحدت به معنای یکسان‌سازی مذاهب نیست. شیعه، شیعه باقی می‌ماند و اهل سنت نیز هویت مذهبی خود را حفظ می‌کند؛ آنچه می‌تواند مشترک شود، عرصه‌هایی است که مسلمانان در آنها با مسئله‌ای مشترک مواجه‌اند. به تعبیر نصرالله، جامعه اسلامی می‌تواند با وجود حفظ تفاوت‌های مذهبی، در حوزه‌های مشترک مانند «جسمی واحد» عمل کند. بنابراین، وحدت نه به معنای حذف تفاوت‌ها، بلکه به معنای مدیریت تفاوت‌ها در جهت همکاری است.

از همین زاویه است که فلسطین در سخنان او جایگاهی فراتر از یک پرونده سیاسی پیدا می‌کند. فلسطین در این تحلیل، موضوعی است که می‌تواند نقطه اتصال مسلمانان با مذاهب و گرایش‌های مختلف باشد؛ زیرا اشغال سرزمین، آوارگی، محاصره، هتک مقدسات و رنج مردم فلسطین، در چارچوب این استدلال، مسئله‌ای متعلق به یک مذهب یا یک جریان خاص نیست. از این منظر، مسئولیت در برابر فلسطین بخشی از همان مسئولیت مشترکی است که می‌تواند مسلمانان را در یک مسئله مشخص به همکاری وادارد.

اهمیت این دیدگاه زمانی بیشتر آشکار می‌شود که وحدت را نه صرفاً در سطح گفتار، بلکه در نسبت با واقعیت‌های منطقه‌ای بررسی کنیم. در سخنان نصرانی، نمونه‌هایی از بحرین، یمن و عراق مطرح می‌شود تا نشان داده شود که اختلاف مذهبی لزوماً مانع موضع‌گیری مشترک نیست. او به مواضع علمای شیعه و سنی بحرین، مخالفت جریان‌های مختلف عراقی با نشست عادی‌سازی در اربیل و حمایت یمنی‌ها از فلسطین اشاره می‌کند و آنها را نمونه‌هایی از امکان شکل‌گیری کنش مشترک در میان گروه‌هایی با پیشینه‌ها و گرایش‌های متفاوت می‌داند.

در این چارچوب، وحدت زمانی از یک مفهوم کلی به یک امر واقعی تبدیل می‌شود که بتواند به همکاری در میدان عمل منجر شود. همین نکته در بخش دیگری از سخنان نصرانی درباره مقابله با داعش برجسته می‌شود. او داعش را صرفاً یک گروه مسلح نمی‌داند، بلکه رفتار آن را عاملی برای آسیب‌زدن به تصویر اسلام و ایجاد شکاف میان مسلمانان معرفی می‌کند و مقابله با آن را مسئولیتی فراتر از مرزبندی‌های مذهبی می‌داند.

از این منظر، تجربه مقاومت برای نصرانی صرفاً یک تجربه نظامی نیست؛ بلکه یک نمونه از کارآمدی همکاری میان گروه‌های مختلف مسلمان است. او تصریح می‌کند که در میدان‌هایی که همکاری شکل گرفته، نتایج متفاوتی نسبت به زمانی حاصل شده که مسلمانان در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند. در روایت او، حضور شیعه و سنی در کنار یکدیگر در مقابله با داعش و همچنین همکاری جریان‌های مختلف در حمایت از مقاومت فلسطین، نمونه‌هایی از ظرفیت عملی وحدت است.

البته این برداشت را باید با یک نکته مهم همراه کرد: تجربه مقاومت، به تنهایی نمی‌تواند تمام ابعاد مسئله وحدت اسلامی را توضیح دهد. وحدت، در سطح اجتماعی و تمدنی، تنها به همکاری در برابر یک دشمن مشترک محدود نمی‌شود. اگر قرار باشد وحدت به یک ساختار پایدار تبدیل شود، باید در حوزه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز سازوکارهایی برای همکاری و مدیریت اختلاف وجود داشته باشد. با این حال، تجربه‌های مورد اشاره در سخنان نصرانی نشان می‌دهد که همکاری در مسائل مشترک می‌تواند

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تبدیل ایده وحدت به واقعیت اجتماعی باشد.

در همین نقطه، یکی از مهم‌ترین بخش‌های این سخنرانی آشکار می‌شود: اختلاف، زمانی به بحران تبدیل می‌شود که از سطح تفاوت به سطح خصومت منتقل شود. نصرا بر این باور است که یکی از راه‌های ایجاد شکاف، تبدیل مسائل سیاسی به مسائل مذهبی و قومی و بزرگ‌کردن خطاهای فردی برای ایجاد نزاع‌های گسترده‌تر است. از این منظر، مسئولیت علما، رهبران و نخبگان مسلمان تنها دعوت لفظی به وحدت نیست؛ بلکه جلوگیری از تبدیل اختلافات طبیعی به منازعات فرقه‌ای نیز بخشی از این مسئولیت است.

این نکته برای امروز جهان اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. جوامع اسلامی مجموعه‌ای متکثر از مذاهب، قومیت‌ها، جریان‌های فکری و ساختارهای سیاسی‌اند و انتظار حذف این تفاوت‌ها نه واقع‌بینانه است و نه ضرورتاً مطلوب. مسئله اصلی، چگونگی زندگی و همکاری در شرایط این تکثر است. وحدت، در معنای واقع‌بینانه خود، می‌تواند پاسخی برای همین مسئله باشد: حفظ هویت‌ها در کنار ایجاد حوزه‌های همکاری.

از این منظر، جمله محوری سخنان نصرا را می‌توان چنین بازخوانی کرد: مسلمانان برای وحدت لازم نیست شبیه یکدیگر شوند؛ کافی است در مسائل مشترک، علیه یکدیگر قرار نگیرند و ظرفیت همکاری خود را فعال کنند. این برداشت، وحدت را از یک شعار مناسبتی خارج و آن را به مسئله‌ای مرتبط با امنیت، استقلال، منافع مشترک و آینده جهان اسلام تبدیل می‌کند.

در نهایت، اهمیت سخنان سیدحسن نصرا درباره وحدت را می‌توان در همین انتقال مفهومی دید؛ انتقال از «وحدت به عنوان آرمان» به «وحدت به عنوان شیوه مواجهه با مسائل مشترک». در این چارچوب، اختلاف مذهبی امری واقعی است، اما الزاماً نباید به تعارض سیاسی و اجتماعی تبدیل شود؛ همان‌گونه که اشتراک مذهبی نیز به تنهایی وحدت ایجاد نمی‌کند، مگر آنکه به همکاری و مسئولیت مشترک منجر شود. تجربه‌هایی که او از فلسطین، یمن، عراق، بحرین و مقابله با داعش مطرح می‌کند، در منطق سخنرانی، شواهدی برای همین امکان‌اند.

بنابراین، شاید مسئله اساسی امروز جهان اسلام نه رسیدن به جامعه‌ای بدون اختلاف، بلکه ایجاد سازوکاری برای همکاری در عین اختلاف باشد؛ الگویی که در آن مسلمانان ضمن حفظ هویت‌ها و دیدگاه‌های خود، در برابر مسائل مشترک به جای فرسایش متقابل، ظرفیت‌های یکدیگر را به کار گیرند. این تلقی، وحدت را از سطح یک شعار اخلاقی فراتر می‌برد و آن را به یک مسئله واقعی در حوزه حکمرانی، روابط

اجتماعی و آئندہ جهان اسلام تبدیل می‌کند.